

راز امامت در قرآن

معرفی ترجمه رساله «فلسفه الميثاق والولاية»

علامه شرف‌الدین عاملی

علی راد

درآمد

دین و خادم حسینی، علامه بزرگ شرف‌الدین عاملی بکنیم
و آن‌گه با دانش او در این رساله بیشتر آشنا شویم.

آشنایی مختصر با علامه شرف‌الدین عاملی (ره)

عبدالحسین بن یوسف بن الجواد بن اسماعیل بن محمد بن محمد بن ابراهیم شرف‌الدین بن زین‌العابدین بن علی نورالدین بن نورالدین علی ابن الحسین الموسوی العاملی، معروف به علامه شرف‌الدین به سال ۱۲۹۰ قمری در شهر کاظمین عراق دیده به جهان گشود، پدر و مادرش هر دو از سادات بزرگوار آل شرف‌الدین بودند، نسب شریف علامه با ۳۱ واسطه به ابراهیم، فرزند امام هفتم شیعه، حضرت موسی بن جعفر (ع) می‌رسد.

الحق که نام این فرزانه نامور برزنده او بود، هم عبدالحسین بودنش با واقعیت خارج تطبیق می‌کند، چرا که در طول عمر خود در مبارزه با مخالفان اسلام بود و هم شرف‌الدین بودن او، که به راستی برای دین و ایمان شرافتی خاص به همراه داشت. او در نجف اشرف از حضور دانشمندان برجسته حوزه فقه و اصول و سایر علوم اسلامی همانند سید کاظم طباطبایی و آخوند خراسانی و شیخ الشریعه اصفهانی و شیخ محمد طه نجف و شیخ حسن کربلایی و دیگران بهره برد و استعداد و نبوغ ویژه خود را در راه فهم اسلام آشکار ساخت و آن را در سخنرانی‌ها و مکتوبات وزین خویش به یادگار گذاشت.

علامه به علت توجه خاصی که از روزهای نخستین جوانی خویش به مسائل امت اسلامی داشت او را به تعامل با افکار مخالف واداشت و در این راستا مکاتبات و مسافرت‌های فراوانی را سامان داد. المراجعات او خود گواه راستین این سخن

سخن از مسأله خطیر و بنیادین زعامت یا به عبارتی امامت امت اسلام بعد از رحلت پیامبر (ص)، آن چنان حیاتی و ضروری است که از منطق به دور و عقلاً غیر ممکن می‌نماید که خداوندی حکیم و دانا در کلام فصل الخطاب خود بدان نپرداخته باشد و این امر عظیم را مهمل وانهاده است.

آنچه نیاز دیرین و امروزی جامعه اسلامی بوده و هست، تبیین نگرش قرآن به امامت و ولایت اهل بیت حضرت محمد (ص) می‌باشد، این که صاحب فرقان مبین چگونه و با چه دلایل روشن و با چه حجت‌های قاطع به این امر سرنوشت‌ساز در کلام خود پرداخته است. اجابت این نیاز از همان روزهای آغازین دهه اول هجرت از دلمشغولی‌های پیامبر (ص) و مسلمین آگاه بوده و تا بدین روز نیز ادامه دارد و چه بسیار عالمانی که از همان ایام به تحریر نوشتارهایی پیرامون آن پرداخته‌اند.

علامه شرف‌الدین عاملی، که خود از زمرة عالمان ژرف‌اندیش و جامع‌نگر عصر خویش بود و در حوزه حدیث و دفاع از حریم الهی امامت شیعه، آثاری وزین و بسی دقیق بر جای نهاده است، در این راستا نیز سهم سترگی را از کارنامه فرهنگ اسلامی به خود اختصاص داده و با نگارش فلسفه الميثاق والولاية اثری نادر درباره ولایت و عهد الهی از نگاه قرآن به جای گذاشته است. آنچه پیش رو داریم معرفی برگردان فارسی این اثر نفیس و پراچ می‌باشد که با عنایت به متن تحقیق شده آن، ترجمه و چاپ شده است. اما پیش از این که به معرفی رساله پردازیم، شایسته و اقتضای ادب است که یادی از آبروی

است. او به سال ۱۳۲۲ قمری به جبل عامل رفت و در مدت اندکی اصلاحات عمیقی را در بافت فرهنگی آن به جا گذاشت و مبارزه با استعمار آن روز (فرانسه) را از جبل عامل شروع کرد و ضربات سنگینی را بر فرهنگ استعماری فرانسه وارد ساخت. مأموران فرانسوی که بارها قصد جان او را کرده بود این بار خانه او را در شخور به آتش کشید و منزل او را در صور غارت و کتابخانه بزرگ این عالم نامور را همراه با نگاشته های نفیس و نوزده نسخه خطی از نوشته های پراچ او را به آتش کشیدند. او از لبنان به شام و از آن جا به فلسطین و مصر مسافرت کرد و در سال ۱۳۴۰ قمری حج الهی را به جا آورد و به سال ۱۳۵۵ قمری بعد از زیارت عتبات عالیات در عراق از ایران نیز دیدن کرد و به زیارت حضرت رضا (ع) در مشهد مشرف گردید و در قم، تهران و سایر شهرهای ایران مورد توجه و استقبال بزرگان و دانشمندان اسلامی قرار گرفت. سرانجام این عالم ربانی روز سه شنبه دهم جمادی الثانی سال ۱۳۷۷ قمری در یکی از بیمارستان های بیروت دیده از جهان فرو بست و به سوی حق شتافت. بعد از تشییع رسمی در بیروت جنازه پاک او با هواپیما به بغداد منتقل و در نجف اشرف به خاک سپرده شد.^۱

آثار قلمی علامه شرف الدین عاملی (ره)

علامه شرف الدین با این که مشکلات اجتماعی و سیاسی بسیاری داشت، ولی در تمام عمر خویش از پژوهش و تحقیق هدفدار خود دست برنداشت و در تاریخ نگارش کتب اسلامی (به ویژه شیعی) باب تازه ای گشود و آثاری عمیق و با وسعت تحقیقی عظیم بر جای نهاد، از جمله:

۱. المراجعات (این کتاب به صورت پرسش و پاسخ طی ۱۱۲ نامه سامان یافته و حاصل مباحثات علامه شرف الدین با شیخ سلیم بشری-رئیس جامعه الازهر مصر- می باشد)؛
۲. الفصول المهمة فی تألیف الامة (بررسی اختلافات شیعه و سنی بر اساس ادله عقلی)؛
۳. الکلمة الغراء فی تفضیل الزهراء (ع) (پیرامون فضائل حضرت زهرا (ع) در قرآن)؛
۴. اجوبة مسائل موسی جارالله (پاسخ به مسائل ۲۵ گانه موسی جارالله در ایراد به شیعه)؛
۵. المجالس الفاخرة فی مائمه العنصرة الطاهرة (درباره فلسفه عزاداری امام حسین (ع) و بیان اسرار شهادت شهدای کربلا به طور دقیق و کامل)؛
۶. ابوهریه (این کتاب شرح حال ابوهریه و بررسی ناقدانه احادیث ساختگی او با روشی نو و ابتکاری است)؛

۷. بغیة الراغبین (کتابی تاریخی-نسبی، در موضوع شجره نسبی آل شرف الدین)؛

۸. فلسفة الميثاق والولاية (بررسی نگرش قرآن به مسأله ولایت و امامت ائمه شیعه در پاره ای از آیات)؛

۹. ثبت الاثبات فی سلسلة الرواة (شرح سلسله اسانید خود از تمام مذاهب اسلامی تا زمان ائمه و پیامبر (ص) و ذکر کتاب های آنان)؛

۱۰. النص والاجتهاد (پژوهشی عمیق در بطلان اجتهاد در برابر نصوص قطعی قرآن و سنت)؛

۱۱. مسائل خلافیه (بررسی پاره ای از مسائل اختلافی فقهی بین مذاهب پنجگانه)؛

۱۲. رساله حول الرؤیة (همراه با فلسفه الميثاق والولاية با عنوان «کلمة حول الرؤیة» پیرامون مسأله رؤیت خدا به چاپ رسیده است)؛

۱۳. کتاب الی المجمع العلمي العربي بدمشق (بحث با رئیس این مجمع درباره نسبتی که به امامیه داده اند)؛

چنانچه پیشتر اشاره کردیم علامه شرف الدین را آثاری دیگر بوده، متنها و قتی مأموران فرانسوی کتابخانه وی را آتش زدند آن آثار هم از دست رفت. این آثار طبق نوشته علامه در حاشیه کتاب شریف الکلمة الغراء فی تفضیل الزهراء عبارتند از:

شرح التبصرة؛ حاشیه استصحاب؛ رساله فی منجزات المريض؛ سبیل المؤمنین؛ النصوص الجلیه؛ تزیل الآیات الباهرة؛ تحفة المحدثین فیما اخرج عنه السنه من المضعفین؛ تحفة الاصحاح فی حکم اهل الکتاب؛ الذریعة؛ المجالس الفاخرة؛ مؤلفوا الشیعة فی صدر الاسلام؛ بغیة الفاتر فی نقل الجنائز؛ بغیة السائل عن لثم الایدی والانامل؛ زکات الاخلاق؛ الفوائد والفرائد؛ حاشیه ای بر صحیح بخاری؛ حاشیه ای بر صحیح مسلم؛ الاسالیب البدیعه فی رجحان مآتم الشیعه.

آنچه درباره آثار علامه شرف الدین گذشت مواردی بود که نگارنده در از کتب مرجع و آثار خود ایشان به دست آورده بود، شاید آثار دیگری نیز موجود باشد که ما از آنها بی اطلاع باشیم.

۱. در نگارش این بخش از منابع ذیل استفاده شده است:

- الف) علامه شرف الدین عاملی، ابوهریه واحادیث ساختگی، نجفعلی میرزایی (مترجم)، انتشارات هجرت، دوم، ۱۳۷۶ ش.
- ب) علامه شرف الدین عاملی، المراجعات، محمدجعفر امامی (مترجم)، انتشارات تبلیغات اسلامی، قم، اول، ۱۳۷۹ ش.
- ج) جلال باقر، علی، مقدمه فلسفه الميثاق والولاية، مجله توافنا، ش ۶۲، ص ۲۳۰-۲۳۲.
- د) منابع مرجع: اعیان الشیعه، ج ۷، ص ۴۵۷؛ معجم المؤلفین، ج ۲، ص ۵۳؛ الأهلأ، ج ۳، ص ۳۷۹؛ شرف الدین، محمدرضا حکیمی.

جرندابی چنین نگاشته است: «در نامه خود بر من فرض نمودی که از فلسفه ميثاق و ولايت براي سخن بگويم».^۳

آشنایی کوتاه با شیخ واعظ جرندابی

او میرزا عباس قلی پور وجدی مشهور به واعظ جرندابی است که به سال ۱۳۱۵ قمری در تبریز تولد یافت و به سال ۱۳۸۶ دار فانی را وداع گفت. او علوم دینی آن عصر را نزد شیخ علی شریانی (ف ۱۳۴۸ هـ) صاحب دو کتاب معرفة الائمه و خلاصة التوحيد فراگرفت و ریاضیات و اسطرلاب را پیش میرزا لطف علی آموخت. از آثار واعظ جرندابی می توان به عظمت حسین بن علی (ع)، هشت مقاله، ذوالقرنین و سد یاجوج و ماجوج و... اشاره کرد. وی در تبریز به سال ۱۳۳۶ مدرسه «ارشاد» را تأسیس نمود. سالیان بعد در مدرسه طالبیه تبریز به تدریس ریاضیات و منطق پرداخت و در سال ۱۳۴۱ قمری مدیریت مدرسه سرخاب را به عهده گرفت و بعد از مدتی مدرسه را ترک کرد و به وعظ و خطابه روی آورد. وی دارای کتابخانه ای با آثار نفیس خطی و مطبوع بوده که آنها را به کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد اهدا نمود. او با علمای معاصر خود همانند سید محسن امین عاملی و شیخ محمدجواد بلاغی و سید هبة الدین شهرستانی و شیخ محمدحسین آل کاشف الغطاء و شیخ آقا بزرگ تهرانی و دیگران مکاتباتی داشته است، برای مثال فلسفه الميثاق والولاية پاسخ پرسش هایی است که وی به صورت مکتوب خدمت علامه شرف الدین می فرستاد.^۴

علامه در رساله فلسفه الميثاق والولاية از ایشان با عباراتی چون «المخلص فی دینه و یقینه، القائم فی نصره الحق علی ساقه، المجاهد فی سبيله یبده ولسانه و قلمه» یاد کرده است.^۵

نمایه اجمالی مباحث رساله فلسفه الميثاق والولاية

- حقیقت معنای آیه ۱۷۲ سوره اعراف درباره عالم ذر و ارائه تحلیل علمی و تفسیر مأثور آن از منظر امام صادق (ع).
- تبیین اقرار فطری و تکوینی فرزندان آدم به پذیرش ربوبیت خدا و نبوت محمد (ص) و امامت علی (ع) و سایر ائمه (ع) به لسان حال در زمان خلقت.

سنت نامه نگاری میان دانشیان از دیرباز رایج بوده و گاه بنا به شرایطی خاص از روش های مطمئن انتقال داده های علمی میان عالمان به شمار می آمده است. زمانی این نامه های کوتاه به تفصیل می گرایید و قالب رساله علمی به خود می گرفت. در این میان، علامه شرف الدین از زمره دانشیانی بود که به جایگاه زبده نگاری خامه خویش در رسائل خود واقف و از آنها به مانند پلی برای انتقال اندیشه های تابناک خود بهره می جست. المراجعات او نمونه گویای این ادعاست، لکن اکتفای بدان در میان آثار وی بی انصافی است، چرا که دیگر آثار ایشان هر یک در جای خود همانند المراجعات بلندای اندیشه او را بیانگرند. رساله فلسفه الميثاق والولاية از جمله نادره آثار این قدوة اهل تحقیق است که رساله ای موجز و در عین حال متقن درباره امامت و ولايت در قرآن کریم است، رهاورد چنین سنتی است که از تعامل علمی دو عالم سترگ شیعی، علامه شرف الدین عاملی و شیخ عباس قلی واعظ تبریزی جرندابی تراویده است. او این رساله را در پاسخ به پرسش های شیخ عباس قلی جرندابی، که از محضر وی به صورت مکتوب به عمل آورده، نوشته است.

علامه در این رساله ضمن پاسخ به سوالات شیخ جرندابی توانایی تعامل اندیشه خود را در برخورد با آیات الهی به ویژه آیات بسیار علمی و فنی آن به نمایش گذاشته است. وی در این رساله با نگاهی عالمانه و ناقدانه و معصومانه به بررسی مسأله امامت از منظر قرآن در پاره ای از آیات آن (همانند آیات مربوط به عالم ذر و آیه اکمال دین که هر دو از آیات جنجال برانگیز تفسیری است) پرداخته و با قلمی روان آن را به عربی تحریر نموده است. اثر با نام باری تعالی و سپاس وی و استعانت از وی و با مقدمه ای کوتاه - به لحاظ رعایت ساختار اولیه آن - در تعریف و تمجید شیخ واعظ تبریزی جرندابی آغاز یافته و با پاسخ به پرسش نخست وی درباره آیه ۱۷۲ سوره اعراف شروع شده است. خاتمه آن با حمد الهی چنین پایان یافته است:

پایان پذیرفت نوشتار حاضر در شهر صور به مورخه روز دوشنبه، پانزدهم ربیع الثانی به سال مبارک ۱۳۶۰ قمری به قلم کوچک ترین خادمان دین اسلام عبدالحسین بن یوسف الجواد بن اسماعیل بن محمد بن محمد بن ابراهیم شرف الدین بن زین العسابدین بن علی نورالدین بن نورالدین علی ابن الحسین الموسوی العاملی؛ خدای با همه آنان به لطف خویش عمل کند - و آخر دعواهم ان الحمد لله رب العالمین.^۶
نام اثر برگرفته از مقدمه علامه بوده که خطاب به واعظ

۲. راز امامت در قرآن، ص ۱۱۸.

۳. مجله تراثنا، ش ۶۲، ص ۲۳۶.

۴. ر. ک: مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۱۱۵؛ فرهنگ آذربایجان، ج ۱، ص ۱۷۰. این زندگی نامه کوتاه عیناً برگردان ترجمه جرندابی است که محقق محترم فلسفه الميثاق والولاية در اول این رساله آن را آورده است.

۵. ر. ک: تراثنا، ش ۶۲، ص ۲۲۵.

- تفسیر علمی آیه ۴۴ سوره اسراء درباره تسیح تمامی موجودات جهان هستی .

- تحلیل چگونگی گریه موجودات غیر بشری بر شهادت امام حسین (ع) در روایات و تفسیر آیه اکمال دین (مائده، ۳) و کیفیت ارتباط آن با مسأله امامت حضرت علی (ع) و ارائه سیاقی اصولی-علمی

- پاسخی مستدل به پرسش کهن و معروف چرا قرآن به امامت و خلافت علی (ع) به صراحت تصریح نکرده تا راه تأویل و خصومت درباره آن بسته باشد؟

- رساله با احادیث و نصوص قطعی وارده درباره امامت علی (ع) و سایر ائمه (ع) و دلیل حصر خلافت در آنان، پایان یافته است .

شایان ذکر است که رساله حاوی مطالب دیگری است که در این جا فقط به برخی از مباحث مهم و بنیادین آن اشاره نمودیم و آشنایی با مطالب کل آن، مطالعه ای دقیق و پر حوصله را می طلبد و در بخشی از همین مقاله به عناوین آنها اشاره خواهیم کرد. این اثر هر چند در میان آثار علامه بسان المراجعات شهره نیست، لکن از بعدی در میان ولایت شناسان از برجستگی خاصی برخوردار است. آیت الله شیخ جواد کربلایی^۶ - که خود از غواصان بحر بی انتهای ولایت است- در مقدمه ای که بر ترجمه فارسی این اثر نگاشته درباره اهمیت آن چنین فرموده است:

انصافاً یگانه کتابی که در موضوع بیان ولایت تألیف شده همانا همین کتاب فلسفه الميثاق والولاية تألیف مرحوم سید عبدالحسین شرف الدین می باشد، فجزاه الله تعالی عن صاحب الولاية خیر الجزاء بمحمد وآله الطاهرین^۷

شناخت نامه رساله فلسفه الميثاق والولاية

این اثر وزین تا سال ۱۳۷۱ قمری- در همان سال هایی که هنوز علامه در قید حیات بود- دو بار به زیور طبع آراسته شد. چاپ دوم آن در قطع جیبی ذیل رساله دیگر علامه کلمه حول الرویة در مطبعة العرفان شهر صیدا (۱۳۷۱ م / ۱۳۷۱ هـ) صورت گرفت .

در دو چاپ مذکور رساله خالی از هرگونه تحقیقی بود تا این که محقق این اثر آقای علی جلال باقری^۸ با تحقیق مستوفای خود رساله را روح دیگری بخشید و بر زیبایی و اتقان آن افزود. رساله برای اولین بار به همراه تحقیق ایشان در شماره ۶۲ مجله تراثا (ص ۲۲۷-۲۸۳) به چاپ رسید. محقق محترم ضمن مقدمه ای کوتاه در دیباچه اثر گزارشی اجمالی از محتوا و موضوع رساله ارائه داد و آن را در عین کم برگی، بسیار پر بار و متقن و دارای مضامین بلند و بیانی رسا و برهان هایی استوار دانسته است. در ادامه به اشاراتی کوتاه درباره زندگی و آثار علامه شرف الدین

عاملی پرداخته و در پایان به چگونگی تحقیق رساله اشاره نموده است. نسخه معیار وی در تحقیق رساله چاپ مطبعة العرفان و چاپ اول آن در ذیل کلمه حول الرویة بوده، که از هرگونه تحقیقی به جز توضیحات اجمالی علامه خالی بوده است. وی هر دو چاپ را با هم مقابله نموده و افتادگی ها در متن رساله را تا حد امکان زدوده است. اهم کارهای انجام گرفته عبارتند از:

- استخراج آیات به همراه نام دقیق سوره و شماره آنها؛

- استخراج احادیث از منابع روایی؛

- استخراج اشعار آمده در رساله به همراه اشاره ای کوتاه به قائل آن؛

- مشخص نمودن توضیحات علامه با رمز «منه»؛

- عنوان بخشی به چند مبحث مهم رساله؛

- توضیح پاره ای از مطالب مهم در پانویس؛

- ارائه کتاب نامه تحقیق در پایان رساله.^۹

معرفی ترجمه فارسی رساله فلسفه الميثاق والولاية

نگارنده مقاله حاضر به هدف معرفی مجدد این رساله و خارج شدن آن از گمنامی در میان دیگر آثار علامه و با توجه به مطالب ارزشمندش آن را به فارسی ترجمه و با همکاری مجمع محبان آل یاسین ارومیه^{۱۰} در سه هزار نسخه قطع رقی متشتر نمود.^{۱۱} در برگردان فارسی مبنای متن تحقیق شده آقای علی جلال باقری قرار دادیم، لکن در مواردی که نیاز به توضیح داشت در پانویس به آن اشاره کردیم و بر تحقیقات ایشان افزودیم. در مقدمه ای کوتاه در آغاز کتاب به معرفی زیست نامه علامه و آثار ایشان پرداختیم و در ادامه خود رساله را اجمالاً برای خواننده

۶. از ایشان آثاری پرارج و سترگ در زمینه معارف ولایی همانند الانوار الساطعة فی شرح الزیارة الجامعة (۵ جلد، عربی)، قره المہج فی زیارة ثامن الحجج (۱ جلد، فارسی) و رساله توتلی و تبری (۱ جلد، فارسی) تا به حال به زیور نشر آراسته شده است، استاد نگاشته های دیگری درباره مباحث معرفتی به قلم خویش در آورده اند که آرزو مندیم در آینده ای نزدیک به چاپ رسد و در اختیار مشتاقان علوم اهل بیت (ع) قرار بگیرد.

۷. واز امامت در قرآن، ص ۱۴.

۸. از محققان سوری.

۹. وی در تحقیق خود به ۸۴ منبع مختلف از علوم اسلامی مراجعه داشته و از آنها مطالبی نثل نموده و یا به آنها ارجاع داده است.

۱۰. این مؤسسه در شهرستان ارومیه از سال ۱۳۸۰ شمسی کار خود را به طور رسمی آغاز کرد و تا به حال گام های نو و استواری را در راستای نشر فرهنگ شیعی برداشته که از جمله آنها چاپ اثر مذکور و برگزاری مسابقه کتابخوانی از متن آن در سطح استان بوده است.

۱۱. شناسه چاپ این اثر چنین است: واز امامت در قرآن، علامه شرف الدین عاملی، ترجمه علی راد، چاپ اول، انتشارات کشف الغطاء، قم، ۱۳۸۱ ش، ۱۲۶ ص.

شناسانندیم و راز امامت در قرآن را برای ترجمه فارسی رساله برگزیدیم. علت گزینش این عنوان، همخوانی بیشتر با مراد علامه در رساله و محتوای آن بود، چرا که وی در آیه عهد الست به گونه ای تفسیر رمز آلود گفته شده در روایات را پذیرفته و در چینش آیه اکمال در عهد عثمان نیز از رازی در جابه جایی این آیه سخن گفته است.^{۱۲}

دیگر کارهای صورت گرفته در ترجمه فارسی از این قرارند:
- عنوان دهی به مطالب رساله از آغاز تا فرجام با رعایت مناسبت؛
- تفکیک مطالب هر بخش با توجه اشتراک در موضوع؛
- تهیه فهرست تفصیلی از مطالب؛
- توضیح پاره ای از اصطلاحات تخصصی علوم قرآنی به کار رفته در رساله با مراجعه به کتب مرجع علوم قرآن؛
- تقسیم تمامی رساله به دو بخش کلی و هر بخش به چندین فصل با توجه به سیر مباحث ارائه شده در آنها؛
- ترجمه کامل روایات و آیات اشاره شده در کتاب (در برگردان پارسی آیات از ترجمه استاد مهدی الهی قمشه ای با ویرایش آقای حسین ولی استفاده شده است).

- بیان توضیحات داخل () در متن برای کامل شدن جمله و روشن تر شدن مراد نویسنده همگی از مترجم می باشد.

نمایه فهرست مطالب رساله در برگردان فارسی
بخش اول: تفسیر آیه میثاق و آیه اکمال دین، ص ۲۹
فصل اول: پُرسمان آیه میثاق، ص ۳۱
پرسش های واعظ تبریزی جرندابی، ص ۳۲
پاسخ های علامه شرف الدین عاملی، ص ۳۳
کیفیت شهادت فرزندان آدم به پروردگاری خدا، ص ۳۶
فصل دوم: تمثیل در آیه میثاق، ص ۳۹
تمثیل در آیه میثاق، ص ۴۰
تمثیل در زبان عربی و کتاب الهی، ص ۴۰
تمثیل در سنت، ص ۴۶

تمثیل در اشعار عربی، ص ۴۸
فصل سوم: استشهاد به آیه میثاق نسبت به نبوت حضرت محمد (ص) و امامت ائمه (ع)، ص ۵۵
تفسیر صادقی (ع) از آیه میثاق، ص ۵۶
فصل چهارم: امامت و ولایت در قرآن، ص ۶۱
امامت و ولایت در قرآن، ص ۶۲
فصل پنجم: تفسیر آیه اکمال دین، ص ۶۵
پاسخ های علامه شرف الدین عاملی، ص ۶۶
تبیین جمله اعتراضیه به سیاق تأمین، ص ۶۷
تفسیر الیوم اکملت لکم دینکم، ص ۶۸

تفسیر واتممت علیکم نعمتی، ص ۶۸
تفسیر ورضیت لکم الاسلام دیناً، ص ۶۸
تفسیر ائمه شیعه از آیه اکمال دین، ص ۷۰
آیه اعلام و ولایت، آیه مجزای از ماقبل و مابعد خود، ص ۷۱
بخش دوم: خلافت علوی در آینه وحی، ص ۷۳
فصل اول: چرایی عدم صراحت قرآن به خلافت امام علی (ع)، ص ۷۵
پرسمان خلافت علوی در قرآن، ص ۷۶
پاسخ علامه شرف الدین عاملی، ص ۷۶
مکانت علوی در نزد عرب، ص ۷۸
پنداشت باطل قوم عرب درباره خلافت علوی (ع)، ص ۸۱
حکمت الهی در عدم تصریح آشکار قرآن به امامت علی (ع)، ص ۸۴
فصل دوم: سیره و شیوه نبوی در تبلیغ امامت علی (ع)، ص ۸۹
سیره و شیوه نبوی در تبلیغ امامت علی (ع)، ص ۹۰
ولایت علوی در غدیر به تصویر اشعار ای تمام و کُمیت، ص ۹۴
رهاورد اسلوب نبوی در اعلان امامت علی (ع)، ص ۹۵
سفارشات نبوی به علی (ع) درباره صبر بر جفای امت، ص ۹۸
فصل سوم: عملکرد امامان معصوم در برابر غضب حق الهی
آنان، ص ۱۰۳
عملکرد امامان معصوم در برابر غضب حق الهی آنان، ص ۱۰۴
تعامل خیرخواهانه علوی با خلفا، ص ۱۰۵
فصل چهارم: دلایل و نصوص امامت، ص ۱۱۱
نصوص امامت شیعه در کتب اهل سنت، ص ۱۱۲
نصوص وارده از جمهور مسلمین درباره امامت علی (ع) و امامت ائمه اطهار (ع) و انحصار خلافت در دوازده معصوم (ع)، ص ۱۱۳
نصوص نبوی درباره امامت ائمه (ع)، ص ۱۱۴
دلیل انحصار خلافت در دوازده امام معصوم (ع)، ص ۱۱۶
سخن پایانی، ص ۱۱۷
منابع تحقیق، ص ۱۱۹

شیوه تفسیری علامه شرف الدین و مهمترین ویژگی های آن

آنچه به عنای این رساله موجز بیشتر می افزاید و شایسته درنگ است شیوه و منهج تفسیری علامه شرف الدین می باشد، روشی که در آن به مدد ابزار عقل و ادب عرب سعی در استنتاج آیه داشته و معنای روشنی از آیه در اختیار خواننده قرار می دهد. به دیگر سخن او در نگاه اول به تبیین معنای حقیقی آیه از منظر قرآن و لغت عرب می پردازد و ظرائف ادبی و صناعات بلاغی موجود در آیه را که هماهنگ با اسلوب بلاغی زبان عربی است با

۱۲. راز امامت در قرآن، ص ۷۲.

تصویر در کلام) نازل شده باشد و معنای آن چنین می شود، البته خداوند بلند مرتبه خود بدان آگاه تر است.

حرف واو در آیه بدین معناست که ای محمد به یاد آر و مردم را متذکر ساز به آن هنگامی که با زبان حال فطری خویش در هنگام آفرینش با خدا درباره ایمان (و باورداشت قلبی) به او پیمان بستند و همگی به پروردگاری او اعتراف نمودند، و آن هنگامی بود که «إذ أخذ ربك» زمانی که پروردگار تو (با قدرت و اقتدار عظیمی که داراست) بر گرفت فرزندان آدم را (من بنی آدم) از پشت پدرانشان «من ظهورهم ذریتهم»، بدین توضیح که (ذریة) آنان را در مرحله اول) به شکل قطره ای از نطفه از تیره پشت پدرانشان بیرون آورد، بعد آن نطفه را در جایگاهی استوار از زهدان مادرانشان و انهداد، آن گاه نطفه (در داخل زهدان مادر را) به شکل (خونی بسته و جامد) در آورد و خون بسته را (گوشت پاره ای) و آن گوشت پاره را به شکل استخوان جلوه گر ساخت، سپس بر آن استخوان ها لایه ای از گوشت پوشانید، در آخر همگی آنها را آفرینش دیگری به نحو کامل و استوار بخشید^{۱۵} و آنها را قوی و تنومند به نیکوترین صورت در مراتب وجود، شنوا، بینا^{۱۶} و گویا، دارای قوه عقل، تفکر، تدبیر، علم، عمل، کامل و بی نقص پدیدار ساخت (و آنان را) به حواس پنجگانه و نیروی شناخت و اندامی که حکما را در شناخت آنها به تحیّر واداشته است دارا ساخت و استعدادهای مهم و پر توان، بینشی درخشان که بدان مرز صحیح و فاسد، خوب و زشت را تمییز و حق و باطل را از هم جدا سازند در وجود آنان قرار داد تا بدان به نعمت های خدا در ملکوت الهی آگاهی یافته و نشانه های آفرینش خدای را در خلقت آسمان ها و زمین و آمد و شد شب و روز، در شیوه روشمند و استوار او که در آسمان و زمین بر اسلوب های حکیمانه ای به سریان داشته است، درک نموده و بدان آگاهی بیابند.

۱۳. اعراف (۷) آیه ۱۷۲؛ ای رسول ما به یاد آر و خلق را متذکر ساز. هنگامی که خدای تو از پشت فرزندان آدم ذریه آنها را برگرفت و آنها را بر خودشان گواه ساخت که آیا من پروردگار شما نیستم؟ همه گفتند: بلی، ما (به خدای تو) گواهی دهیم

۱۴. زمخشری صاحب تفسیر کشاف درباره تمثیل می گوید: به جهت کشف معانی و نزدیک ساختن پنداشته شده به شاهد به تمثیل توجه می گردد، سپس اگر متمثل له بزرگ باشد متمثل به نیز بزرگ خواهد بود و اگر حقیر و پست باشد نیز همین طور است، به نقل از: الاتقان، سیوطی، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، ج ۲، ص ۴۱۲، امیرکبیر، ۱۳۸۰.

۱۵. اشاره به آیه تم اثباتنا خلقا آخر قیابک الله احسن الخالقین (مؤمنون، آیه ۱۴) و آیه لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم (تین، آیه ۴).

۱۶. اشاره دارد به آیه انا خلقنا الانسان من نطفة امشاج نبثله سمیعا بصیرا (انسان، آیه ۲).

استشهاداتی از کلام عرب، به روشنی بیان می کند و آن گاه مراد اصلی کلام الهی را که الفاظ آیه در صدد بیان آن هستند، ضمن عبارتی مختصر توضیح می دهند. آن گاه که پرده ابهام از چهره لفظ کلام الهی کنار رفت و حقیقت معنای آن روشن شد احادیثی را برای تأیید و تبیین بیشتر موضوع از حضرات معصومین (ع) نقل می کند، به عبارتی دیگر به «تفسیری مأثور» درباره آیه مورد بحث دست می زند، اما نه مانند کتب تفاسیر مأثور، که فقط نقل حدیث باشد، بلکه با ابزار عقل و فاهمه ژرف نگر خویش از سخن معصوم مدد می گیرد، بیشترین عنایت علامه در این رساله استشهاد به روایات اهل سنت به ویژه صحاح آنان بوده و در این امر قدمی فراسوی منطق و عدالت علمی فرار نهاده است. از این رو در این رساله کوتاه، فراوان شاهد استناد به روایات هستیم که گاه اشارتی به معنای کلی آنها شده و گاه عین روایت گزارش شده است. البته مورد اخیر به علت پرهیز از اطاله مقال کمتر بروز دارد. اینک به کلیات ویژگی های تفسیری وی در این رساله اشاره می کنیم:

- استناد به شعر شاعران جاهلی در تبیین واژگان قرآنی و روایی؛
- درنگ در نکات ادبی و اسلوب های بیانی آیات؛
- توجه به شأن نزول در تفسیر آیه؛
- نگاه تاریخی دقیق به فضای نزول و ترسیم آن در ذهن خواننده به شکلی رسا و شفاف؛
- بهره گیری فراوان از روایات تفسیری ائمه؛
- توجه به آرای مفسران؛
- توجه شایان به روایات اهل سنت در تفسیر و سیره پیامبر (ص)؛
- عنایت ویژه به جهت بیانی آیه؛
- پردازشی عمیق به مسائل اعتقادی و کلامی مطرح در آیات؛
- استفاده عالمانه از ادبیات مفسران و اصطلاحات تخصصی علوم قرآنی؛

نمونه دیدگاه های تفسیری علامه شرف الدین

تفسیر آیه میثاق

علامه شرف الدین در تفسیر آیه «إذ أخذ ربك من بنی آدم من ظهورهم ذریتهم وأشهدهم علی أنفسهم ألت بریکم قالوا بلی شهدنا»^{۱۳} و در پاسخ به سؤال شیخ جرندابی به این که مفهوم و دلیل شاهدآوری آیه برای تأیید نبوت حضرت محمد (ص) و امامت شیعه - که سلام الهی بر آنان باد - چگونه است، چنین می نویسد:

ظاهر آیه به نظر می آید که از باب تمثیل^{۱۴} و مثال آوردن، به قصد روشن کردن موضوع و مجسم ساختن آن در ذهن (از باب

بدین طریق قطعی و مسلم است که مردمان دارای دلیل انکارناپذیر مسلمی نسبت به «خدایی» او باشند، دلیلی که آنها را از هو نوع ناباوری و اعراض از اقرار به وحدانیتش باز بدارد.

کیفیت شهادت فرزندان آدم به پروردگاری خدا

گویی، خداوند (تبارک و تعالی) هنگامی که فرزندان آدم را بر این کیفیت آفرید همگی را به اقرار گرفتن (از پروردگاری خود نسبت به آنان) واداشت و **اشهدهم علی انفسهم** و به مردمان چنین فرمود **الست بریکم**^{۱۷} و مردمان نیز گویی چنین گفتند **قالوا بلی شهدنا**، گواهی می دهیم به پروردگاری تو بر خودمان و فروتنی کنیم در مقابل عزت و بزرگواری ات با پرستش و عبادتت، بنا به آنچه عقل های ما بدان فرمان رانده و بینش تیزبین ما آن را مسلم دانسته، آن هنگام که اقتدارت بر جان های ما آشکار شد و چیرگی تو بر آن مستولی گشت، پس خدایی جز تو نیست، ما را از خاک آفریدی، آن گاه ما را به شکل نطفه ای از تیره پشت پدرانمان خارج ساختی (و آن نطفه را در ارحام مادرانمان جای دادی)، بعد آن نطفه (داخل رحم) را خون بسته و آن را گوشت پاره و گوشت پاره را به شکل استخوانی نمایان کردی و بر استخوان ها لایه ای از گوشت پوشاندی، در آخر ما را به آفرینش دیگری (انشاء روح در بدن) برافراشتی و در آن جهان مهتر و برتری را پنهان ساختی ...

پاک و منزهی تو، پاک و منزّه از هر عیب و نقصی، چه اندازه دلیل و برهان تو درخشنده و آشکار است! به ما عشق ورزیدی و با نشانه های آشکارت ما را به خود رهنمون ساختی، در حالی که تو بی نیاز از ما و شایسته ثنایی، بر ما لطف و رحمت نمودی، با دلایل روشن خود، ما را به سوی خویش فراخواندی، ما بندگان کوچک و فقیر تو هستیم و اگر نمی بود لطف تو، ما هرگز نمی دانستیم که تو کیستی؟ حمد تو را به سبب اقرارمان به پروردگاری ات، حمد نیز از لطف توست و شکر تو را به سبب تواضع ما در پیشگاه خدای ات به وسیله پرستشت، شکر نیز عطا و بخشش تو است به ما، خدایی جز تو صاحب عرش عظیم موجود نیست.

عالم ذر و شهادت به ولایت اهل بیت

اگر نبود تفسیری که از امام صادق (ع) درباره این آیه روایت شده، ظاهر آیه درباره موضوع این گفتار هیچ دلالتی نداشت، ولی روایت صادقی آن را این گونه تفسیر کرده:

كان الميثاق مأخوذاً عليهم، لله بالربوبية، ولرسوله بالنبوة، ويمير المؤمنين وايمته بالامامة، فقال: (الست بریکم) و محمد نبيکم و علی امامکم و ائمة الهدون ائمتکم (قالوا بلی) ... الحدیث. ۱۸

فرموده حضرت صادق (ع) سخن حق و صحیحی است که هیچ بطلانی در حال و آینده نمی تواند بدان رخنه کند به دلیل عصمت او که به برهان عقلی و دلیل نقلی مسلم و ثابت شده است، او امام معصوم عصر خویش بود، هر کس بدو چنگ بزند گمراه نمی شود و هر که از او منحرف شود، نتواند که به سوی خدا رهنمون گردد، نص قطعی نبوی (ص) در حدیث ثقلین او (و سخن و گفتارش) را همانند کتاب و به منزله قرآن ابلاغ نموده و امام صادق (ع) را اسوه و الگویی کامل برای صاحبان عقل سلیم قرار داده است و این مطلب نزد ما (شیعه) موضوعی و پذیرفته است. ۱۹. سپاس مخصوص خدایی است که پروردگار

۱۷. به تأویل این آیه از حضرت علی (ع) و اعتراف خلیفه دوم با عبارت **لا ابقانی الله فی ارض لست بها یا باحسن**، به علم آن بزرگوار، بنگرید: **شرح نهج البلاغه**، ابن ابی الحدید، ج ۱۲، ص ۱۰۰.

۱۸. عهد و پیمانی که خداوند از فرزندان آدم گرفته تا بدان پاینده باشند، نسبت به خدا اعتقاد به پروردگاری اش و نسبت به رسول اکرم (ص) قبول پیامبری اش و نسبت به علی (ع) و سایر ائمه (ع) پذیرش امامت آنان است و خداوند چنین فرموده است: آیا من پروردگار شما نیستم و محمد (ص) پیامبر شما نیستم و علی (ع) و سایر ائمه که هدایتگر اند، امامان شما نیستند؟! همگی گفتند: بلی ... (تا آخر حدیث).

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۴۸؛ مؤدای آن بنگرید در **تهذیب الأحکام**، ج ۳، ص ۱۴۶، ح ۳۱۷، باب صلاة الغدير.

۱۹. علامه شرف الدین از آن روی، امامت و عصمت امامان شیعه را موضوعی «مفروع عنه» دانسته که آیاتی از قرآن و روایاتی فراوان از فریقین به وضوح بر آن دلالت دارند، از جمله آیاتی که دلالت تام بر عصمت و امامت آنان دارد، عبارتند از:

(الف) آیه تطهیر: **اتما پرید الله لیلحک حکم الرجس اهل البیت و يطهرکم تطهیرا** (احزاب، آیه ۳۳). مراد از اهل بیت در این آیه حضرات معصومین: علی، فاطمه، حسن و حسین (ع) می باشند آن چنان که در منابع اهل سنت آمده است، بنگرید:

صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۳۰؛ سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۲۸، ح ۳۲۰۵ و ۳۲۰۶؛ **الدر المثور**، ج ۶، ص ۶۰۳-۶۰۵؛ **المستدرک علی الصحیحین**، ج ۲، ص ۴۵۱، ح ۳۵۵۸ و ۳۵۵۹؛ **المعجم الکبیر**، ج ۳، ص ۵۳، ح ۲۶۶۴؛ **سیر اعلام النبلاء**، ج ۱۰، ص ۳۴۶.

(ب) آیه مودت: **قل لا اسألكم علیه اجر الا المودة فی القریب و من یقررب حسنة تزد له فیها حسنا ان الله ففور شکور** (شوری، آیه ۲۳). حضرت محمد (ص) بنا به روایات اهل سنت، منظور از واژه القریب در این آیه را به علی و زهرا و حسن و حسین (ع) برگردانده است، بنگرید به: **مسند احمد**، ج ۱، ص ۲۲۹؛ **المعجم الکبیر**، ج ۳، ص ۴۷، ح ۲۶۴۱ و ج ۱۱، ص ۳۵۱، ح ۱۲۲۵۹؛ **المستدرک علی الصحیحین**، ج ۳، ص ۱۸۸، ح ۴۸۰۲؛ **تفسیر طبری**، ج ۲۵، ص ۱۶-۱۷.

(پ) آیه مباهله: **فمن حاجک فی من بعد ما جاءک من العلم فقل تعالوا اندع ابناءنا و ابناءکم و نساءنا و نساءکم و انفسنا و انفسکم ثم نبتهل لعنة الله علی الکاذبین** (آل عمران، آیه ۶۱). طبق اخبار متواتر از شیعه و سنی نقل شده

جهانیان است. اما گرفتن عهد و پیمان از مردم برای پذیرش نبوت حضرت محمد(ص) و امامت ائمه اثنی عشر(ع) که در روایت بدان اشاره شده، بنابر همان کیفیتی است که ما در اخذ میثاق برای خدا(عزوجل) در رویبیتش عرض کردیم.^{۲۰}

بدین صورت که همانا خداوند- که سپاس و بزرگواری مخصوص اوست- برای پذیرش نبوت پیامبر اسلام(ص) و امامت ائمه شیعه(ع) به حدی از دلایل محکم و استوار و برهان های مستند و درخشان و آیات و بینه ها و حجت های گسترده آشکار و غیر قابل نقض اقامه کرده که انکار آن ممکن نبوده و از هر نوع ایراد و بدگویی سرکشان لجوج مبرأ می باشد و دیگر جای فراری نیست.

اگر این گونه فرض شود که خدای(عز سلطانه) از فرزندان آدم- بعد از یاری رساندن توسط آن همه بینات و نشانه ها- سؤال کند و از آنان بر نبوت محمد(ص) و امامت جانشینان او اقرار بگیرد، پس چرا اقرار آنان به پذیرش نبوت محمد(ص) و امامت او صیایش و شهادت به حق از روی رغبت یا اکراه ممکن نباشد؟!

آیا نمی بینی که شخص نیکوکار و فاجر، مسلمان و کافر، مؤمن و منافق، دشمن و از دین برگشته، چگونه در برابر فضیلت و برتری آنان فروتن و متواضع هستند و در برابر منزلت ارجمند آنان سر تعظیم به زیر فرود می آورند و کتاب هایی را از مناقب آنان نگاشته اند و طومارهایی چند از خصائص آنان پر کرده اند، احادیث صحیحیه (موجود در صحاح اهل سنت) که از ناحیه دشمنان آنان نقل شده همگی به حقی که آنها اهل و معدن آن و ماوا و منتهای آنند، گواهی می دهند.^{۲۱} و به حمد الهی شما (شیخ جرندابی) از زمره احرار نیکوکار و اهل بینش نافذ و تشخیص هستی، لذا چون نوشتار حاضر، سخن گفتن به تفصیل درباره این مطلب را بر نمی تابید همین اشاره تو را کافی باشد، باشد که خدای بنده را توفیق آن دهد که کتابی را به نشانه های نبوت و دلایل امامت اختصاص دهم و کلام را به نهایت کمال در آن مقام بیان کنم.

موضوع عهد الست یا عالم ذر از دیرباز میان مفسران، متکلمان و اهل صوفیه مطرح بوده و یکی از مهمترین مسائل نظری و مابعدالطبیعی و از مباحث مهم عرفانی به شمار می آمد و آرای گونه گون درباره آن ارائه شده است. «ابوحامد غزالی به خلاف صوفیان دیگر و حتی برادرش، به واقعیت داشتن عالم ذر و عهدی که انسان در ازل با پروردگار بسته است قائل نیست و معتقد است که سخن گفتن خداوند با ذریات به زبان حال است نه قال».^{۲۲}

دلالت آیه اکمال دین به ولایت علی(ع)

علامه ضمن پاسخ به سؤالات شیخ جرندابی^{۲۳} درباره آیه اکمال دین درباره دلالت آیه مذکور به ولایت علی(ع) چنین

که منظور از اینها امام حسن و امام حسین(ع) و نساءنا حضرت فاطمه(ع) و آنسنا حضرت علی(ع) می باشد و علی(ع) از ناحیه الهی به منزله نفس حضرت محمد(ص) معرفی شده است. روایات اهل سنت را بنگرید:

مسند احمد، ج ۱، ص ۱۸۵؛ صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۰؛ سنن ترمذی، ج ۵، ص ۵۹۶؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۶۳، ح ۴۷۱۹؛ فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، ج ۷، ص ۶۰. اما روایات نبوی در این باره بسیار است، ما به اختصار به مشهورترین آنها اشاره ای می کنیم:

۱) حدیث سفینه نوح: مثل اهل بیته فیکم کمثل سفینه نوح، من ركبها نجا و من تخلف عنها هلك (المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۳۷۳، ح ۳۳۱۲؛ تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۹۱، ح ۶۵۰۷؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۶۸؛ المعجم الکبیر، ج ۲، ص ۳۷، ح ۲۶۳۶؛ المعجم الصغیر، ج ۱، ص ۱۳۹؛ الدر المنثور، ج ۳، ص ۲۳۴).

۲) حدیث ثقلین: اثنی عشر نبيکم ما ان تمسکتم به لن نصلوا بعدی، احدثهما اعظم من الآخر، کتاب الله حبل ممدود من السماء الى الأرض، و هترقی اهل بیته، ولن یفتروا حتی یردوا علی الحوض، فانظروا کیف تخلفونی فیهما. این حدیث در همین معنا با الفاظ اندک متفاوتی نیز نقل شده و از معتبرین و محکم ترین دلایل بر اثبات عصمت و امامت امامان شیعه می باشد، بنگرید:

صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۲؛ مسند احمد، ج ۵، ص ۱۸۱-۱۸۲؛ سنن ترمذی، ج ۵، ص ۶۲۲؛ ح ۳۷۸۸؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۶۰، ح ۴۷۱۱؛ ج ۲، ص ۶۱۳، ح ۶۲۷۲؛ المعجم الکبیر، ج ۵، ص ۱۶۶، ح ۴۹۶۹؛ ص ۱۸۲، ح ۵۰۲۵ و ۵۰۲۶ و ۱۸۳، ح ۵۰۲۸؛ الدر المنثور، ج ۲، ص ۶۰.

۲۰. برای تفصیل بنگرید: تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۴۸.

۲۱. به عنوان نمونه: صحیح مسلم، ج ۱۱۹، ص ۷-۱۲۴؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۷۷ و ۹۹ و ۱۱۵ و ۱۱۸ و ۳۶۸ و ۱۳۳۱؛ سنن ابن مساجه، ج ۱، ص ۴۲ و ۴۴؛ سنن ترمذی، ج ۵، ص ۵۹۰ و ۶۰۱.

۲۲. دو مسجد: پژوهش هایی درباره محمد غزالی و فخر رازی، نصرالله پورجوادی، ص ۴، چاپ اول، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۸۱ ش.

۲۳. پرسش های واعظ تبریزی جرندابی با مقدمه ای کوتاه چنین است: این قسمت از سوره که از بدایت تا نهایتش در خصوص بیان حکم شرعی نازل شده، آیه واحدی است، منظوم بیان حرام بودن این اعمال زشتی است که در آیه از آنها یاد شده، جز برای کسی که از روی اضطرار، نه به قصد گناه در سختی افتاده باشد، چرا که نیازهای ضروری کارهای مصنوع را رومی دارند. سؤال اول: وقتی سیاق آیه به تمام در بیان احکام شرعی باشد، پس این آیه چه ارتباطی به تعیین امام (در روز غدیر) دارد؟ سؤال دوم: به چه دلیل منظور از فرموده خدای گرامی در این بخش از آیه که می فرماید الیوم اکملت لکم دینکم به کمال رساندن احکام شرعی از حلال و حرام نباشد، بنابر آنچه که سیاق سخن در آیه آن را اقتضا دارد؟

می نویسد: اگر کسی با نگرش سطحی و کم عمق آیه حرمت علیکم المبیحة والدم ولحم الخنزیر وما اهل لغير الله به والمتخفة والموقودة والمتردیه والنظیحة وما اكل السبع الا ما ذکبتم وما ذبیح علی النصب وان تستقسموا بایزلام ذلکم فسق الیوم یش الذین کفروا من دینکم فلا تخشوهم واخشون الیوم اکملت لکم دینکم واتممت علیکم نعمتی ورضیت لکم الاسلام دیناً فمن اضطر فی مخصصة غیر متجانف لا یم فان الله غفور رحیم^{۲۴} را بنگرد، در آغاز از مرتبط دانستن آیه با آنچه که مفسرین در تفسیر آن گفته اند هیچ ابایی نخواهد داشت و همان را خواهد پذیرفت، لکن اگر با تفکری ژرف و دقیق محتوای آیه را بررسد و حق تأمل را در آن به جا آورد خواهد دانست که روایات وارده از ائمه هدی آل محمد (ص) در تفسیر آن، نسبت به سیاق دیگری که در تفسیر آن گفته شده، مناسب تر و شایسته تر است.

در این صورت دیگر آیه به سیاق اولی نخواهد بود، برای این که خدای (عز سلطانه) در حقیقت، بعد از آن که خباثت مورد نظر را حرام اعلام کرد و به حرمت آن با فرموده خویش (ذلکم فسق) تأکید ورزید، از باب «جمله اعتراضیه» در بین آیه مذکور، عبارت الیوم یش الذین کفروا من دینکم فلا تخشوهم واخشون را آورده است. این گونه مسلمین را قوت قلب داد و قدم هایشان را در اسلام استوار ساخت و آنها را به پذیرش احکام شریعت تشویق نمود و از «روح طمأنینه و آرامش بخش» که بدان هیچ ترس و دلهره ای از کفار به دل راه ندهند در بین آنها دمید. این در حالی بود که پاره ای از مسلمانان را مخالفت امت ها (ی سابق) با آنچه که خداوند از احکام و قوانین خود و حلال و حرام الهی بدان امر کرده و آنان را مطیع ساخته بود به خوف افکنده بود و چه بسا می ترسیدند که کفار بعد از رحلت رسول اکرم (ص) این قوانین الهی را زیر پا بگذارند، کافران نیز چنین آرزویی را در سر می پروراندند، لذا خداوند مسلمین را نسبت به حفظ دینشان امنیت خاطر بخشید و با فرموده خویش - که همانا راستگو ترین گویندگان است - آنان را بشارت داد: الیوم یش الذین کفروا من دینکم ...

خداوند با آنچه که به شما از اقتداری برتر و کوبنده و حکومتی گسترده، نعمت بخشیده، کفار را خوار و زبون و مطیع شما ساخت و آنان بدین سبب از چیرگی و تسلط بر دیتان ناامید گشتند، بعد از این نیز به هیچ وجه آرزوی استیلا بر شما را نخواهند داشت. حال که بدین درجه از عزت و شکست ناپذیری رسیده اید پس از آنان اصلاً ترسید

(فلا تخشوهم) به عبارتی از مخالفت آنان با قوانین شریعت اسلام (در آینده) هیچ خوفی به دل راه ندهید اگرچه شما را آزار رسانند و از من در آنچه شما را بدان امر کردم و از آنچه نهی نمودم بترسید، آنچه را که بدان مأمورتان ساختم فرابپذیرید و از آنچه نهی تان کردم بهره یزید و رهاش کنید، اگرچه بر مشرکان ناخوشایند باشد.

آنچه آمد اجمالی از کلیات بخش نخست این رساله بود. بخش دوم نیز حاوی مطالبی بس مفید است که به دلیل ضیق مجال این مقال به آنها نپرداختیم. برای آگاهی از تمام آنها چاره ای جز مطالعه اثر نیست.

در پایان مترجم بر خود واجب می داند از تمامی عزیزانی که نگارنده را در این ترجمه به هر شکلی یاری رسانند، تقدیر و تشکر کند، به ویژه از مدیریت محترم مجمع معبان آل یاسین ارومیه کمال سپاس را دارم که با حمایت های بی دریغ خویش، باعث و بانی آن شدند تا نگاشته ای دیگر از آثار شیعی احیاء و تحفه ای دیگر از گلزار معرفت و ولایت بر کارنامه درخشان آن مجمع محترم افزوده گردد، همچنین از لطف حضرت استاد آیت الله شیخ جواد کربلایی - دامت افاضاته - به این جانب، کمال سپاس را دارم که با نگارش مقدمه ای جامع زینت بخش این اثر شدند، باشد که مقبول درگاه احدیت واقع گردد - ان شاء الله.



۲۴. مائده / ۵، آیه ۳. برای شما مؤمنان گوشت مردار و خون و گوشت خوک و آن ذبیحه ای که به نام غیر خدا کشتند و هر حیوانی که به خفه کردن یا چوب زدن یا از بلندی افکندن یا به شاخ زدن به هم بمیرند و نیز نیم خورده درندگان جز آن را که قبلاً تذکیر کرده باشید حرام است و نیز آن را که برای بتان می کشند و آن را که به تیرها قسمت می کنند (رسمی بود در جاهلیت که چون در امری مردد می شدند به تیری می نوشتند خدا امر کرده) و به تیر دیگری می نوشتند خدای نهی کرده، آن گاه تیرها را درهم ریخته و یکی به قرعه بیرون آورده و مطابق آن رفتار می کردند)، که این کار فسق است. امروز کافران از این که به دین شما دستبرد زنند و اختلالی رسانند، طمع بریدند پس شما از آن بیمناک نگشته و از من بترسید، امروز (به عقیده امامیه و برخی از اهل سنت روز غدیر خم و خلافت علی (ع) مراد است) دین شما را به حد کمال رسانیدم و بر شما نعمتم را تمام کردم و بهترین آیین را که اسلام است برایتان برگزیدم (و تکلیف آن را آسان گرفتم)، پس هرگاه کسی در ایام مجاعت و سختی از روی اضطرار نه به قصد گناه، چیزی از آنچه حرام شده مرتکب شود (حق بر او سخت نگیرد که) خدا بسیار بخشنده و مهربان است.